

شهيد عباس پراينده



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهيد استان بوشهر

نام پدر	محمود
تاریخ تولد	۱۳۱۳/۰۴/۰۴
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۳/۰۶/۰۱
محل شهادت	خارگ
مسئولیت	-
نوع عضویت	سایر (بمباران)
شغل	کارگر شرکت نفت
تحصیلات	دوره ابتدایی
مدفن	بrazجان

زندگینامه

زندگینامه شهید

زندگینامه شهید عباسقلی پراینده

شهید عباسقلی پراینده در سال ۱۳۱۳ در روستای نظر آقا از توابع دشتستان در خانواده ای متدین و مذهبی دیده به جهان گشود در دوران کودکی فردی پر جنب و جوش و فعال بود وی با توجه به علاقه ای که به آموزش درس و مشق داشت ولی به علت فقر مالی حاکم بر خانواده و نبود مدرسه در محل نتوانست به آموختن درس و علم بپردازد و از همان دوران نوجوانی به کار و کشاورزی در کنار پدر پرداخت و همزمان با آن در مکتب خانه محل به آموختن قرآن پرداخت شهید پراینده فردی قوی و اراده ای آهنین داشت او در سن نوجوانی پدر خود را از دست داد و تمامی مسئولیت خانواده به او واگذار گردید همین امر باعث گردید که برای اینکه جای خالی پدر در خانه احساس نشود شب و روز به کار و فعالیت پرداخت وی در سن هیجده سالگی به خدمت مقدس سربازی شتافت و این دوران را با موفقیت به اتمام رسانید ایشان در ایام پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی همدوش با امت حزب الله در راهپیمائیهای شرکت فعال داشت و با پیروزی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) با نام نویسی در بسیج به محافظت از دست آوردهای انقلاب و خون شهدا پرداخت ایشان در انجام مراسمات مذهبی مانند برگزاری اعدیه ها و نماز جماعت همیشه پیش قدم بود و نمازش را به جماعت و در مسجد می خواند ارادت خاصی نسبت به اهل بیت ائمه (ع) داشتند و در مراسمات روضه خوانی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) همیشه حضور می یافت دارای اخلاق اسلامی و منشی بلند بود و در برخورد با مردم بسیار متین و خوش اخلاق بود سرانجام ایشان در آذر ماه ۶۲ به قصد کار و فعالیت راهی جزیره استراتژیک خارگ گردید و طی مأموریتی در اطراف خارگ در مورخ ۱/۶۳/۶ هدف موشکهای صدام جنایتکار قرار گرفت و به شرف شهادت نائی گردید. روحش شاد و راهش مستدام باد.

ایشان نسبت به مسائل دینی و مذهبی بسیار حساس و از خود عکس العمل نشان می داد و به مسجد می رفت و در نمازهای جمعه و جماعت شرکت می کرد به امام و روحانیون علاقه داشت زیرا می دانست تنها امام است که می تواند این ملت را به تکامل برساند انقلاب را دوست داشت و با طرفداران انقلاب دوست بود و با آنها همکاری نزدیک داشت در عوض با مخالفین انقلاب دشمن بود همیشه آرزو داشت که در راه دفاع از وطن و اسلام شهید شود ایشان فردی مؤمن، شجاع و صادق بود و از حق الناس می ترسید و رعایت همه

امور می کرد مردم را دوست داشت و مردم هم او را دوست داشتند. علاقه خاصی به اهل بیت داشت وی شهید را همیشه زنده می دانست و شهادت را سعادت و خوشبختی و آرزو می کرد که ای گاش من هم شهید می شدم. ایشان در انتخاب همسر بسیار دقیق بود سعی می کرد که همسر او از خانواده ای مذهبی، متدین و باوقار باشد و ملاک انتخاب او ایمان، صداقت، پاکدامنی بود و مراسم عقد بطور ساده در روستا برگزار شد ایشان برای تأمین مخارج زندگی شب و روز کار می کرد و کمتر استراحت می نمود سرانجام ایشان به استخدام شرکت نفت در آمدند و در تاریخ ۱/۶/۶۳ بر اثر بمب باران هواپیماهای عراقی در جزیره استراتژیک خارگ به شهادت رسیدند.

خاطرات

ویژگیهای شهید عباسقلی پراینده

از دوران قبل از تولد او چیزی به یاد ندارم زیرا آن موقع ما بیسواد بودیم اطلاعی از روز و ماه و سال نداشتیم فقط یادم هست که به من می گفتند مواظب باش تا نوزاد در شکمت اذیت نشود همه ی غذاها را نمی خورم بیشتر از آن نوع غذاهایی که شوهرم تهیه می کرد استفاده می نمودم . برای نامگذاری او هم بعد از اینکه بچه به دنیا آمد و فهمیدیم که پسر است پدرش نام او را عباس گذاشت آن هم به خاطر ارادتی که به حضرت ابوالفضل العباس داشت به یاد ندارم که روز تولد او مصادف با روز خاصی باشد . باتوجه به اینکه ما در روستا زندگی می کردیم و امکانات مناسب در اختیار نداشتیم وسایل پیشرفت او را فراهم کنیم او همیشه اعمال مذهبی خود را به نحوی مناسب و خوب انجام می داد و نسبت به آنها حساس بود او به همه اعضای خانواده علاقه داشت به همه احترام می گذاشت او نسبت به بقیه فرزندانم از جنب و جوش بیشتری و فعالیت زیادتری برخوردار بود . به علت فقر مالی او به مدرسه نرفت بیشتر به کار و کارگری مشغول بود او رفتارش با والدین بسیار خوب بود احترام ما را بیش از اندازه داشت او نسبت به همه خوب بود دوستانش تا حالا وقتی که نام او را می شنوند احساس ناراحتی می کنند او اوقات فراغت خود را بیشتر در جلسات مذهبی می گذراند و علاقه زیادی به مراسم عزاداری حضرت امام حسین (ع) داشت در مسجد نمازش را با جماعت برگزار می کرد در مورد مسائل مذهبی و دینی بسیار حساس بود اما بیشتر اوقات آرام بود کمتر حرف می زد و بیشتر به فکر فرو می رفت در کارهایش معاشرتی بود از طریق روحانیت با افکار امام شناس در راهپیمائیهها و تظاهرات ملت مسلمان بر علیه رژیم ستم شاهی دوش به دوش مردم بود بخصوص راهپیمائیهای داخل روستا که بر علیه خوانین ستمگر انجام می گرفت او نقش فعال داشت او به امام عشق می ورزید او را فرشته نجات ملت ایران می دانست دیدگاه او نسبت به انقلاب مثبت بود و از گروهکهای محارب تنفر داشت .

در کارهایش نظم داشت هر چیزی را به موقع و به جا انجام می داد در نمازهای جمعه شرکت می کرد انس و علاقه او به قرآن زیاد بود شبهای احیا تا صبح قرآن می خواند و با خدا راز و نیاز می کرد همیشه آرزوی شهادت داشت زمانیکه شهیدی را تشییع می کرد به حال او غبطه می خورد او دوره سربازی را در بوشهر گذراند در مورد ازدواجش معتقد بود که همسر او باید متدین و با حجاب باشد و در این زمینه بسیار تحقیق کرد معیار او ایمان و پاکدامنی را اصل می دانست و به وسیله خواهرانش با همسرش آشنا شد و بعد مراسم ساده ای برپا کرد و در همین محل ازدواج نمود اهل تجملات و ریخت و پاش نبود بعد از ازدواج رفتارش با خانواده و همسرش بسیار خوب بود در کارها با او مشورت می کرد اسباب راحتی زندگی آنان فراهم می نمود فرزندانش را بسیار دوست داشت او از پرسنل شرکت نفت بود و در مأموریتی در اطراف خارگ به شهادت رسید و از طریق شرکت نفت از شهادت او مطلع شدیم و سه یا چهار روز بعد از شهادتش

او تشییع کردند تشییع جنازه او بسیار باشکوه بود و ما افتخار می کنیم که یکی از اعضای خانواده خود را در راه انقلاب و اسلام فدا کرده ایم شهدا متعلق به خدا هستند مسئولین می توانند با زنده نگه داشتن یاد شهدا فضای جامعه را عطر آگین کنند و جلو تهاجمات فرهنگی دشمن را بگیرند .



سامانہ جامع سرداران و دوحہ ششمیہ استان بوشهر